

حقوقدانان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گویند طبق قانون بازیگرانی که از رضوی و امامی پول گرفته‌اند؛ باید پول‌ها را پس بدهند

بازیگرانی که باید پول‌های مشکوک را پس بدهند



نام بازیگران	پروژه‌های سینمایی مرتبط با پرونده قضایی بانک سرمایه که هنرپیشه در آن حضور داشته است
حمید فرخ‌نژاد	خوب، بد، جلف (سرمایه گذار: محمد امامی) و میلیونر میامی (سرمایه گذار: هادی رضوی)
هومن سیدی	مغزهای کوچک زنگ زده (سرمایه گذار: محمد امامی) و مصادره (سرمایه گذار: محمد امامی)
ترانه علیدوستی	شهرزاد ۳، ۲، ۱ (سرمایه گذار: محمد امامی)
فرهاد اصلانی	مغزهای کوچک زنگ زده (سرمایه گذار: محمد امامی) و شاهگوش (سرمایه گذار: محمد امامی)
شهاب حسینی	شهرزاد ۳، ۲، ۱ (سرمایه گذار: محمد امامی)
لیلا حاتمی	ماه‌تی‌تی (سرمایه گذار: حسین هدایتی و محمد امامی)، بمب؛ یک عاشقانه آرام (سرمایه گذار: محمد امامی) و خوک (سرمایه گذار: محمد امامی)
رضا کیانیان	شهرزاد ۳، ۲ (سرمایه گذار: محمد امامی)
پیمان معادی	بمب؛ یک عاشقانه آرام (سرمایه گذار: محمد امامی)، اید و یک روز (سرمایه گذار: محمد امامی) و خوک (سرمایه گذار: محمد امامی)
مانی حقیقی	خوک (سرمایه گذار: محمد امامی) و خوب، بد، جلف (سرمایه گذار: محمد امامی)
نوید محمدزاده	اید و یک روز (سرمایه گذار: محمد امامی) و مغزهای کوچک زنگ زده (سرمایه گذار: محمد امامی)
پریناز ایزدیار	اید و یک روز (سرمایه گذار: محمد امامی)، شهرزاد ۳، ۲ (سرمایه گذار: محمد امامی) و خوک (سرمایه گذار: محمد امامی)
محسن تنابنده	لامپ صد (سرمایه گذار: احسان دلاویز) و شاهگوش (سرمایه گذار: محمد امامی)
مصطفی زمانی	شهرزاد ۳، ۲ (سرمایه گذار: محمد امامی)
سیامک انصاری	بمب؛ یک عاشقانه آرام (سرمایه گذار: محمد امامی) و خوک (سرمایه گذار: محمد امامی)
طنان طباطبایی	میلیونر میامی (سرمایه گذار: هادی رضوی) و شاهگوش (سرمایه گذار: محمد امامی)

فهرست آنها را جست‌وجو کرد. اینها بازیگرانی هستند که با آگاهی کامل از اینکه در مورد منابع مالی چنین پروژه‌هایی شبهه‌انی جدی وجود دارد، بارها از چنین افرادی پول گرفته‌اند.

به استرداد بیشترین مبالغ هستند و در صورتی که استنتاج نجفی‌توانا فرض گرفته شود، باز هم اینها کسانی هستند که برای یافتن کسانی که دستمزدهای

که بیش از یک بار در پروژه‌هایی با سرمایه‌گذاری محمد امامی، حسین هدایتی و هادی رضوی حضور داشته‌اند آمده است. این افراد در صورتی که استنتاج کوهپایه‌زاده فرض گرفته شود، موظف

حتی حضور امامی به‌عنوان سرمایه‌گذار فصل دوم را زیر سوال برد.

ترانه علیدوستی هم پاسخی به نادر فتوره‌چی داد که کمپین «نه به شهرزاد» را راه انداخته بود و در آن بیان کرد: «این ارقام برای ساخت پروژه‌ای در این سطح عجیب نیست اما قبول کنید هر قدر هم رانت در آنها دخیل باشد، بسیار کمتر از آنند که کسی برایشان هشت هزار میلیارد اختلاس کند. ما هم مثل شما هنوز نمی‌دانیم آن مبلغ به‌خصوصی که خرج ساخت سریال «شهرزاد» شده، دقیقاً و تحقیقاً آلوده به همین پول‌ها که شما می‌گویید برای گریه گرفتن از جمع، نام حقوق معلمان را روی آن می‌گذارید هست یا خیر. ما هم در حالت تعلیق قرار داریم و برای روشن شدن این قضیه نیاز است به آقای امامی اعلام جرم شود هم دادگاه‌شان تشکیل شود هم ما به ایشان دسترسی داشته باشیم تا بفهمیم تکلیف چیست. «نغمه شمینی که نویسنده مجموعه شهرزاد بود هم گفت: «عوامل سریال هدف‌های اشتباهی برای اعتراض بر فساد مالی کلان کشور هستند.» در اینستاگرام، کمپینی با نام «آری به شهرزاد» راه‌اندازی شد و همه این هنرپیشه‌ها به اضافه افرادی از قبیل شهاب حسینی رسماً به آن پیوستند. حتی از مهناز افشار تا ستاره‌های درجه‌دوم مثل هومن برقی‌نور، در مقاطع و به بهانه‌های مختلف، حمایت‌های علنی و مشخصی از لزوم ورود این پول‌ها به سینمای ایران و ادامه این پروژه‌ها کردند. حالا همه این افراد مدت‌هاست متهم می‌شوند به اینکه به سایه گریخته‌اند. اما این سکوت، اگرچه خود سکوت کردن در چنین شرایطی می‌تواند به تولید اتهام جدیدی علیه آنها در ذهن‌ها منجر شود، ظاهراً راه‌حل راحت‌تری است نسبت به بیان هر سخنی که می‌تواند به آتش‌های خشم را شعله‌ورتر کند. حالاً فقط ابراهیم داروغه‌زاده است که به میدان آمده و می‌گوید: «پرونده‌های قضایی مفسدان اقتصادی را چماقی بر سر اهالی سینما نکنیم. این همه دستگاه‌های نظارتی و قضایی کشور تازه متوجه اختلاس بانکی هادی رضوی شده‌اند، چرا انتظار داریم کارگردان و بازیگران سریال «شهرزاد» چهار سال پیش متوجه این موضوع شده باشند؟» ماجرا چنان در مرحله حساسی از روند خودش قرار دارد که ممکن است ابراهیم داروغه‌زاده به واسطه بیان همین جملات، پس از پایان عمر دولت فعلی،



افکار عمومی در حالی به استقبال دادگاه‌های بانک سرمایه می‌رود که مدت‌هاست با بحث پولشویی در سینما و شبکه نمایش خانگی و اختلاس از صندوق ذخیره فرهنگیان توسط افرادی از قبیل حسین هدایتی، هادی رضوی و محمد امامی آشناست. احسان دلاویز نام جدیدی است که حالا در کنار این افراد در جریان دادگاه‌های بانک سرمایه مطرح می‌شود. او البته جزء برادران دلاویز است که در نفت و صندوق‌های بانزشتگی، افراد شناخته‌شده‌ای هستند و از دوران رئیس‌جمهور اسبق، در صدر منصب‌های مدیریتی و مشورتی قرار داشته‌اند. حداقل سه سال است که بین اهالی سینما و چهره‌های مشهور، افرادی نفع از ورود چنین پول‌هایی به سینما و شبکه نمایش خانگی، نامشروع بودن منابع مالی پروژه‌ها را با قاطعیت رد کرده‌اند. حالا صدور حکم برای حسین هدایتی و فراتر کیفرخواست هادی رضوی که در آن اشاراتی به احسان دلاویز و محمد امامی هم شده است، تقریباً چون و چرایی برای انکار باقی نگذاشته است. به‌طور قطع ادامه روند دادرسی‌ها جو روانی جامعه را علیه چهره‌های مشهور سینمای ایران به‌شدت سنگین‌تر خواهد کرد. هنرپیشه‌هایی که با تلاش برای تولید استدلال و استفاده از شهرت اجتماعی‌شان سعی داشتند لزوم جلوگیری از ورود چنین پول‌هایی به سینما و شبکه نمایش خانگی را انکار کنند و همین‌طور مسئولان دولتی که هر قدر روی لزوم نظارت توسط دولت در مبادی ورود سرمایه‌ها به سینمای ایران تأکید شد. آنها همچنین گفتند که چنین نخواهیم کرد و همچنان از سبیمای خصوصی و لوازم آن که آزادی گردش سرمایه است، حمایت خواهیم کرد. حالا همگی زیر ضرب افکار عمومی و احتمالاً قانون قرار گرفته‌اند. وقتی قطعاً باید این پول‌ها مسترد بشوند اما صرف ادعا کافی نیست و باید یک پروسه قضایی قانونی لازم طی بشود، منجر به صدور حکم قطعی بشود و مشخص شود که محل اخذ و منشأ پرداخت پول‌ها غیر مشروع بوده‌اند. اگر چنین باشد بله؛ این پول در هر جایی و توسط هر شخصی یا هر عنوانی و تحت هر معامله‌ای دریافت و پرداخت شده باشد، ولو اینکه دریافت‌کننده از محل پرداخت مطلع نباشد و به عبارت بهتر از منشأ مجرمانه و نامشروع وجوه اطلاع نداشته باشد، در هر حال قانون تکلیف کرده که این وجوه باید برگردد.

رسول کوهپایه‌زاده، وکیل دادگستری:

سینماگران پول‌ها را پس بدهند

در جریان دادگاه‌های بانک سرمایه، جایی که بحث به پولشویی متهمان توسط سینما و شبکه نمایش خانگی رسید، این سوال پیش آمد که آیا چهره‌های مشهور، از لحاظ قانونی باید دستمزدهای نامتعارفی را که از چنین افرادی گرفته‌اند، برگردانند؟ چند نکته در اینجا مطرح است؛ اول اینکه آیا منشأ این پول‌ها نامشروع بوده و از جوهی پرداخت شده که محل تحصیل آنها ارتکاب اعمال مجرمانه است یا خیر؟ اگر چنین بوده باشد، قطعاً باید این پول‌ها مسترد بشوند اما صرف ادعا کافی نیست و باید یک پروسه قضایی قانونی لازم طی بشود، منجر به صدور حکم قطعی بشود و مشخص شود که محل اخذ و منشأ پرداخت پول‌ها غیر مشروع بوده‌اند. اگر چنین باشد بله؛ این پول در هر جایی و توسط هر شخصی یا هر عنوانی و تحت هر معامله‌ای دریافت و پرداخت شده باشد، ولو اینکه دریافت‌کننده از محل پرداخت مطلع نباشد و به عبارت بهتر از منشأ مجرمانه و نامشروع وجوه اطلاع نداشته باشد، در هر حال قانون تکلیف کرده که این وجوه باید برگردد.

اینکه شما می‌فرمایید به این نحو هر کسی پولی گرفته که منبع تحصیل آن نامشروع بوده، باید آن پول را برگرداند. آیا شامل عواملی مثل راننده سینه‌موobil و تدارکات و عوامل ساده هم می‌شود یا صرفاً کسانی مثل بازیگر، کارگردان و... که دستمزد نامتعارف گرفته‌اند را شامل خواهد شد؟

ببینید قانون همین را می‌گوید. قانون می‌گوید اگر مالی تحصیل شد که منشأ آن مجرمانه بود، این پول باید برگردد اما افرادی که از این قضیه آگاه نبوده‌اند، جرمی مرتکب نشده‌اند و کارشان وصف کیفری ندارد و دستگاه قضایی از این حیث آنها را غیر از رد مال پیگیری نمی‌کند. اما آنها چه کاری می‌توانند بکنند برای اینکه به حق‌شان برسند؟ آنها می‌توانند جداگانه دادخواستی حقوقی را مطابق با قرارداد منعقد شده نسبت به شخص تهیه کنند یا همین آقایی که الان در مظان اتهام است ارائه بدهند و از او طلب دستمزد بکنند، او موظف است که این پول را از منشأ دیگری پرداخت کند. فی‌المثل باید عوامل سریال «شهرزاد» ابتدا اتمام دستمزد‌ها را برگردانند، بعد هر کدام علیه آقای هادی رضوی دادخواست ارائه بدهند و بگویند که شما مکلف بوده‌اید فلان مقدار پول را به من پرداخت کنید و آقای رضوی یا هر کس دیگری، از منبعی غیر از این منابع نامشروع پول را بپیردازد. به عبارت ساده‌تر، اینها باید پول را برگردانند و شکایت جداگانه‌ای تنظیم بکنند که در آن عنوان شود ما تعهد کاری خودمان را طبق قرارداد انجام داده‌ایم و شما (یعنی سرمایه‌گذار) نتوانسته‌اید تعهدات‌تان را انجام بدهید و به دلیل اینکه منشأ پول شما نامشروع بوده، ما پول را برگردانده‌ایم و حالا شما باید این خسارت را به ما پرداخت و جبران کنید.

آیا نامتعارف بودن دستمزد‌های عوامل این مجموعه‌ها نمی‌تواند محملی برای دعوای حقوقی علیه آنها باشد؟

در این مورد قانون تکلیف را مشخص کرده است. قرارداد بین کارفرما و پیمانکار، مثلاً بین تهیه‌کننده با کارگردان یا بازیگر، مورد حمایت قانونگذار است. یعنی ماده ۱۰ قانون مدنی صراحتاً اعلام کرده که قراردادهای بین افراد تا جایی که مخالف صریح قانون نباشد، لازم‌الاجراست و نمی‌شود به بهانه نامتعارف بودن دستمزد شخصاً ورود پیدا کنیم.



به هر حال بین دو فرد عاقل و بالغ قراردادی منعقد شده و این قرارداد لازم‌الاجراست.

وقتی دستمزد‌های نامتعارف خودشان نشانه‌ای از وقوع اعمال مجرمانه اقتصادی هستند، چطور نمی‌شود در برابر آنها موضعی داشت؟

باید جلوی این موارد گرفته شود. ما همیشه بعد از اینکه جرمی به وقوع می‌پیوندد، یعنی مراحل ارتکاب آن بی‌آنکه نهاد‌های نظارتی و حفاظتی به موقع عکس‌العمل نشان دهند، طی شد، تازه به فکر می‌افتیم. این کندی در عکس‌العمل بیشتر در قوه مجریه و دستگاه‌های اجرایی و نظارتی وجود دارد و بعد ما به این شکل، یک باری را به دوش قوه قضائیه تحمیل می‌کنیم و هزینه فراوان تری هم بر دوش جامعه تحمیل می‌شود. عرض من این است که در خانه سینما و فعالیت‌های صنفی دیگر، حتماً باید نهاد‌های نظارتی، خیلی قبل‌تر از پیشامد این نوع حوادث مجرمانه، وظایف خودشان را انجام بدهند و از وقوع آنها پیشگیری کنند. اصل بر این است که آن گلوله‌های فساد و بیست‌های تخلف را شناسایی کنیم. وقتی فردی که هیچ بویی از هنر نبوده و هیچ دستی در عالم هنر ندارد، این‌طور ورود پیدا می‌کند و چنین دست و دلبازانه پول خرج می‌کند، قطعاً باید زودتر از اینها، نهاد‌های نظارتی به وظایف خودشان عمل می‌کردند که کار به اینجا نمی‌رسید.

در پاسخ به سوالی در همین خصوص که چند روز پیش از آقای انتظامی، رئیس سازمان سینمایی پرسیدیم، ایشان گفتند که فیلترینگ پروژه‌ها براساس منابع مالی‌شان وظیفه وزارت ارشاد نیست. آیا چنین وظیفه‌ای چنانکه ایشان می‌گویند بر دوش دستگاه قضایی است؟

در اکثر دادگاه‌های ویژه مفساد اقتصادی، شما مشاهده می‌کنید که بستر فعالیت‌های مجرمانه، اخذ تسهیلات کلان بانکی است. آیا این مراجع نظارتی بانکی که مربوط به قوه مجریه هستند، به وظیفه‌شان عمل کرده‌اند؟ در ثبت شرکت‌ها هم همین‌طور... قطعاً در خانه سینما هم بخش حراست وجود دارد، مراجع نظارتی وجود دارند و...

در خانه سینما کمیته بازرسی هست...

بله؛ باید فیلتر آخر نهاد قوه قضائیه باشد، اما متأسفانه قبل از اینکه بحث به دستگاه قضایی برسد هم سنسورها بسیار ضعیف هستند و بستر برای انجام اعمال مجرمانه فراهم است. بعد می‌رسیم به جایی که تازه می‌فهمیم چه اتفاقی افتاده و این همه خسارت بر گرده ملت وارد شده و این همه پول از بیت‌المال هدر می‌رود.

علی نجفی‌توانا:

مدیران فرهنگی هم باید محاکمه شوند

در پیوند با ماجرای دادگاه‌های بانک سرمایه، از آنجا که بحث به پولشویی متهمان توسط سینما و شبکه نمایش خانگی رسیده است، این سوال مطرح شده که آیا چهره‌های مشهور باید دستمزد‌های نامتعارفی را که از چنین افرادی گرفته‌اند از لحاظ قانونی برگردانند یا چنین ضمانتی برعهده آنها نیست؟

در مورد بانک سرمایه صرف‌نظر از اینکه این بانک وجودش قانونی است یا نه، آنچه اهمیت دارد این است که وجوه به‌دست آمده توسط این افراد به‌اضافه مجازات مقرر در ماده ۲ قانون باید به افراد ذی‌نفع مسترد شود. در مورد اقداماتی که افراد و مسئولان نهاد‌ها با وجوه غیرقانونی اما با انعقاد قراردادهای قانونی انجام داده‌اند، باید قائل به تفکیک شویم؛ چون این افراد در قالب قرارداد مشخصی وظایفی را به‌عهده داشته‌اند و آن وظایف را انجام داده‌اند. در عین حال ممکن است این افراد را تذکره و ترفعه و خلاف عرف پول دریافت کرده باشند، در این صورت این وجه نسبت به مازاد حق متعارف باید مسترد شود. در وورش در این خصوص قابل اعمال است؛ یک روش در خود مراجع قضایی است، یعنی اگر آن هنرمند از وقوع جرم مطلع بوده، باید پول را کلاً برگرداند، چون با تبانی یا خلاف ضوابط، باعث تصرف در اموال دولتی شده است. اما اگر خود این افراد متهم پرونده نیستند، چون نمی‌دانستند منشأ پولی که دریافت کرده‌اند کجاست، دیگر قابل تعقیب کیفری نیستند ولی از لحاظ حقوقی، پولی که دریافت کرده‌اند قابل مطالبه بوده و قانون شکل این مطالبه را مشخص کرده است. باید شخصی که بعداً به‌عنوان مدیر منصوب این موسسات انتخاب می‌شود، با ارسال اظهارنامه و سپس تقدیم دادخواست، وجوه اضافی مازاد بر حد متعارف را مطالبه کند.

پس ماده ۱۰ قانون مدنی که تحت هر شرایطی قرارداد بین طرفین را لازم‌الاجرا می‌داند، آیا با اینکه مازاد حد متعارف دستمزد‌ها برگردانده شود، تناقض پیدا نخواهد کرد؟

ما در همان قرارداد‌ها داریم که نوشته است اراده طرفین اگر خلاف قانون نباشد...

مگر دستمزد بیشتر گرفتن خلاف قانون است؟

بله، موسسات دولتی ضوابطی دارند و صنوف هم باید داشته باشند. این موسسات باید آن ضوابط را رعایت کنند و گرنه وجوه مازاد بر آن باید مسترد شود. در این مورد غیر از آن شخصی که پول را دریافت کرده، شخص مدیری هم که پول را پرداخت کرده، مسئولیت تضامنی دارد و باید او هم طرف دعوای قرار گیرد. در قانون کار حداقل پرداخت‌ها و حداکثر آن مشخص است. در حقوق مربوط به کارمندان هم عرف دریافتی‌ها مشخص است. دارا شدن غیرقانونی جرم است و این هم در ققه هست، هم در قانون و هم در عرف.

پیشگیری از وقوع چنین اتفاقات مالی نادرستی برعهده دستگاه قضایی است یا اجرایی؟

دو نوع پیشگیری داریم؛ یکی پیشگیری عمومی است و دیگری اختصاصی و وضعی. پیشگیری عمومی از طریق فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی اتفاق می‌افتد. اما به‌طور اختصاصی و مصداقی، مثلاً همین پرونده‌هایی که در آنها در صنعت ساختمان سازی و کارخانه‌ها و هنرهای نمایشی، پولشویی می‌شود، ممکن است شخصی که طرف قرارداد باشد این را نداند. در لایه اول باید با پیشگیری عمومی از طریق فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی این موضوع را روشن کرد و در لایه بعدی، پیشگیری وضعی و اختصاصی لازم است. من در این خصوص، دولت و نهاد‌های دولتی و نظارتی را مسئول می‌دانم که باید نظارت کامل می‌کردند. وقتی خویشاوندسالاری و رانت‌خواری در کشور وجود دارد، کسی که ناظر است نمی‌تواند بر کسی که منظور است نظارت کند؛ چون ملاحظات و محذوریتهایی دارد. لذا پیشگیری از اینها، پیشگیری وضعی است. اگر در بحث سینما ما یک نهاد مشخصی داشته باشیم که این قرارداد‌ها در آنجا منعقد شود، توسط همین نهاد با اعمال نظارت‌های کافی هم می‌شود از فرارهای مالیاتی جلوگیری کرد و همچنین از اقدامات غیرقانونی دیگر مثل پولشویی. پس هم نهاد‌های صنفی مسئول هستند و هم دولت که باید در این زمینه نظارت کند.